

## گزارش کتاب

سید حبیب الله طاهری

اسم کتاب: انتظار بشر از دین

نویسنده: آیت الله عبدالله جوادی آملی

تحقیق و تنظیم: محمد رضا مصطفی پور

ویرایش: سعید بندعلی

نوبت چاپ: سوم ۱۳۸۴

ناشر: ایران، قم، مرکز نشر اسرا

تعداد صفحات: ۳۰۷

شابک: ۹۶۴-۵۹۸۴-۶۳-۷

آیت الله جوادی آملی از چهره های برجسته و شخصیت های مؤثر دینی، علمی، فرهنگی است که آثار فاخر و فراوان وی در موضوعات قرآنی، فلسفی، فقهی، اجتماعی و... راه گشای امت اسلامی به ویژه دانشمندان و دانش دوستان است. ایشان از استادان بنام فلسفه، تفسیر و فقه در حوزه علمیه قم می باشد و سالیان متمادی است که دوستان علم و دانش از محضر وی بهره می برند. کتابی که گزارش و معرفی می گردد به نام «انتظار بشر از دین» است که در سه بخش به سامان رسیده است. بخش نخست به کلیات مسئله و مبادی تصویری آن می پردازد و در بخش دوم از راههای تبیین انتظار بشر بحث می کند و در بخش سوم نمونه هایی از پاسخ دین به انتظارات بشر مطرح می شود.



## بخش یکم: کلیات

«انتظار بشر از دین» از مهمترین مسائلی است که اندیشه دینی در جهان معاصر با آن مواجه است و از آن پرسش می‌کند. پرسش‌هایی نظیر این که دلیل نیاز انسان به دین چیست؟ انسان چه نقص و کمبودی دارد که جز دین نمی‌تواند آن را برطرف سازد؟ آیا دین برای اداره همه امور انسان است یا برخی امور به عقل و علم بشری واگذار شده است؟ آیا همه امور می‌تواند دینی باشد یا برخی امور هرگز دینی نیستند؟ آیا دین تنها بیانگر اصول ارزشی است یا به اصول علمی هم می‌پردازد؟ آیا دین همان طور که برای زندگی معنوی و اخروی انسان برنامه دارد، برای مدیریت و سامان بخشی به امور دنیوی و اجتماعی نیز برنامه دارد و یا خیر؟ آیا اگر جامعه رشد علمی و عقلی یابد و با پیشرفت عقلی و علمی به بسیاری از نیازهای خود پاسخ دهد، نیاز به دین منتفی خواهد شد و مراجعه به علم و عقل بشری کافی خواهد بود؟ این پرسش‌ها و بسیاری از پرسش‌های دیگر در بحث انتظار بشر بررسی خواهد شد.

## مبادی تصویری مسئله انتظار بشر از دین

### ۱. اقسام دین

#### ۱/۱. دین بشری

دین بشری، مجموعه عقاید، اخلاق و قوانین و مقرراتی است که بشر با فکر خود و برای خود تدوین و وضع کرده است. از این رو دین در راستای همان خواسته، انتظار او را برآورده می‌سازد و اسیر هوس و ابزار دست همان انسان است و انسان به گونه‌ای آن را تنظیم می‌کند که تمام قوانین و مقرراتش به سود او باشد و چیزی را بر او تحمیل نکند. اگر بشر به تدوین و تنظیم دین پردازد، چون اصل کلی این است که هر کس بر اساس ساختار روانی و بدنی خود می‌اندیشد، دین او مجموعه هواها و افکار هوس‌مدارانه است و هر کس بر اساس هوس عمل می‌کند و هرگز خود را مسئول نمی‌داند. از سویی انسانی که خود به تنظیم و تدوین دین اقدام می‌کند، ضد دین الهی واکنش نشان می‌دهد و به مبارزه برضد آن برمی‌خیزد و آن را تکذیب می‌کند.

#### ۱/۲. دین الهی

دین الهی مجموعه عقاید و اخلاق و قوانین و مقرراتی اجرایی است که خداوند آن را برای هدایت بشر فرستاده است تا انسان در پرتو تعالیم آن، هواهای فرد را کنترل و آزادی خود را تأمین کند.



انسان خدا باور، چون خود را تحت ربوبیت ذات مقدس خداوند می داند، تلاش می کند با عمل به آیین الهی و استقامت و پایداری در آن مقصود واقعی را دریابد؛ زیرا دین الهی است که به حقیقت انسان و نیازهای او توجه دارد و برنامه کامل و همه جانبه ای را ارائه می کند تا همه انتظارات او را برآورده سازد.

مراد از دین در این بحث دین الهی و در بین ادیان الهی دین اسلام می باشد که به کامل ترین شکل، اندیشه علمی جامعه بشر و انگیزه عملی او را هدایت می نماید.

## ۲. انتظار و اقسام آن

### ۲/۱. انتظار صادق و کاذب

انتظار در یک تقسیم به دو قسم صادق و کاذب تقسیم می شود؛ انتظار صادق، انتظاری است که با واقعیت وجودی انسان هماهنگ است، مانند انتظار راهیابی به بهشت که در پرتو ایمان و عمل صالح حاصل می شود. انتظار کاذب آن است که شیطان آن را به انسان القا و او را با آن سرگرم می کند. وجود انتظارات حق و باطل بشری، انسان ماهری می طلبد تا این انتظارات را از یکدیگر تشخیص دهد و به انتظارات صادق پاسخ گوید.

### ۲/۲. انتظارات اصلی و فرعی

انتظارات اصلی انسان در محور اعتقادات است. انسان باید حقیقت خود را بفهمد و بشناسد و مبدأ آفرینش خود و جهان را بشناسد و باید بداند مکتبی و دینی لازم است که حقیقت انسان را به او بفهماند و مبدأ آفرینش را به او معرفی کند.

انتظارات فرعی انسان در محور اموری از قبیل تأمین اقتصاد جامعه انسانی، مسائل اخلاقی و... است. دلیل اینکه اعتقاد، انتظار اصلی بشر است این است: انسانی که باور کند همواره در پیشگاه خدایی است که از درون و بیرون او آگاه است و نیز این آگاهی را جایی ضبط می کند که زوال ناپذیر است و محصول این آگاهی در جهان دیگری ظهور می کند، در برابر صاحب این آگاهی چاره ای جز تسلیم محض ندارد. هرگز انسانی که اعتقاد به معاد پیدا نکند و بداند که قیامت ظرف ظهور عین حقیقت دین است در اعمال خود به کارهایی مثل ظلم، احتکار و ... دست نمی زند.

## ۳. حقیقت انسان

معرفت چیستی و هستی انسان و چگونگی ترکیب او از جسم و روح و شناخت تجرد روح و چگونگی پیوند روح با جسم مادی و نیز آگاهی به کمال اصیل انسانی و راه حل نیل به آن و رهبری



و راهنمایی به سوی آن و انواع روابط انسان با نظام هستی و پدیده های آن و... از مسائل مهمی است که در حوزه مربوط به شناخت انسان قرار می گیرند. بهترین راه برای تشخیص این امور و اصول، استفاده از کلام خداوند انسان آفرین است.

قرآن کریم، کتاب وجودی انسان را در دو مقام تدوین کرده است؛ در مقام اول از هویت انسان سخن می گوید و او را «حی متألّه» می داند؛ یعنی موجود زنده ای دانسته است که حیات او در تأله وی تجلی دارد و تأله، همان ذوب شدن در ظهور إلهیت است. اما در مقام دوم، قرآن چگونگی باروری و شکوفایی گوهر ملکوتی انسان را که حیات و نیز راه رسیدن وی به کمالات وجودی را بیان می کند و در زمینه اسباب سهولت و صعوبت پیمودن راه و از ویژگی های راهنما و راهنز راه، سخن می گوید.

قرآن انسان را موجودی برخوردار از فطرت توحیدی و امانت دار الهی و دارای عقل و درک دانسته که باید گوهر وجودی خود را شکوفا کند و سعادت او در شکوفایی گوهر وجودی اوست.

### بخش دوم: روش های تبیین انتظار بشر از دین

#### الف. تبیین انتظار بشر از دین از راه بررسی ادله ضرورت بعثت انبیاء

اثبات ضرورت نزول وحی و بعثت، برای رساندن انسان به سعادت واقعی و حقیقی خود او با این مقدمات تبیین می شود.

۱. آفریدگار انسان خدای علیم و حکیم است که او را برای مقصد و هدف عالی آفریده است.
۲. انسان، حقیقتی جاودانه است و باید در صراط مستقیم به سوی ابدیت حرکت کند تا از این راه، سعادت ابدی خود را تأمین کند و اگر در این راه مرتکب خطا شود دچار شقاوت و محرومیت از سعادت ابدی خواهد شد.
۳. چون انسان مخلوق خدای علیم و حکیم است، فقط خداوند به حقیقت انسان و ابعاد وجودی او و نیاز های وی واقف است و جز او از حقیقت انسان و نیازها و انتظارات واقعی انسان آگاهی ندارد.
۴. چون فقط خدا از حقیقت انسان و ابعاد وجودی و نیاز او آگاه است، هیچ کس جز او نمی تواند انتظارات او را برآورده سازد و اگر هم بخواهد در این راه قدمی بردارد، چون معصوم نیست، دچار



اشتباه شده، با فراهم کردن زمینه های سقوط انسان، موجب محرومیت ابدی وی می شود و سقوط و محرومیت ابدی انسان با عنایت و حکمت خداوند سازگار نیست.

از این رو خود خداوند برنامه انسان را تنظیم و آن را به وسیله پیک معصوم وحی، ارسال می کند تا کتاب منزله و معصوم الهی را در اختیار انسان قرار دهد و بشر با پیمودن راه و برنامه الهی مصون از گزند لهر و نسیان و خطا، زندگی خود را شکل دهد و به سعادت حقیقی خویش نایل آید.

#### ب. تبیین انتظار بشر از دین از راه بررسی فواید دین

یکی از راه های انتظار بشر از دین و نیاز انسان به آن بررسی فواید دین است که در کتاب های کلامی با عنوان فواید بعثت انبیاء بررسی شده است و در زبان جامعه شناسان از آن به کارکرد دین یا خدمات و حسنات دین یاد می شود.

#### ۱. تأیید مستقلات عقلی

امور بردو قسم اند:

الف. اموری که عقل مستقلاً آن را درک و درباره آنها قضاوت و داوری می کند؛ مانند علم انسان به نیازمندی جهان به آفریدگار حکیم و به علم و قدرت و حیات و وحدانیت و مانند آن.

ب. اموری که عقل مستقلاً آن را درک نمی کند و درباره آنها به استقلال حکم نمی کند. مثل برخی از مسائل اصول دین و احکام فرعی دین.

در اموری که عقل مستقلاً آنها را درک و درباره آنها قضاوت و داوری می کند، دلیل نقلی آنها را تأیید و تأکید خواهد کرد و نیز حجت بر مکلف تمام خواهد شد.

۲. استفاده حکم از مدرکات عقل غیر مستقل: بعثت انبیاء اموری را که عقل مستقلاً آنها را درک نمی کند و درباره آنها به استقلال، قضا و حکم ندارد تبیین می کند. مثلاً عقل انسان بعضی از صفات جزئیة خداوند مثل سمع و بصر و کلام الهی و همچنین حقیقت معاد و چگونگی آن و احکام الهی را کاملاً درک نمی کند و باید آنها را از نقل استفاده کند.

۳. از بین بردن ترس: انسان به دلیل عقل دریافت که وجودش و آنچه که در تصرف اوست مخلوق و مملوک خداوند جهان آفرین است. اگر عملی را انجام دهد می ترسد که مبدا مجاز نباشد و اگر بخواهد همان عمل را ترک کند، بیمناک است که شاید وظیفه اش را انجام نداده باشد. از این رو،



در هر دو حال، از خشم خداوند بیمناک است اما به وسیله دین و بیان حدود فعالیت انسان، این ترس و بیم زایل خواهد شد و او بدون بیم، وظایف خود را انجام می دهد.

۴. رفع نیاز انسان در شناخت حسن و قبح افعال: افعال انسانی یکسان نیستند، زیرا برخی از آنها زشت و برخی زیباست. عقل در شناخت زیبایی یا زشتی پاره ای از افعال، استقلال دارد و درباره بعضی از آنها نیازمند به راهنماست و بعثت انبیاء و شریعت آنان این نیازمندی را برطرف می کند. از این رو چیزهای زیبا و حسن از امور زشت و قبیح جدا خواهد شد.

۵. شناساندن اشیای سودمند و زیان آور: اشیایی که در قلمرو طبیعت وجود دارند برخی سود آور و برخی زیان آورند. عقل در صورتی سود و زیان آنها را درک می کند که آن را تجربه و آزمایش کرده باشد و آزمون و تجربه نیز نیازمند گذشت زمان های طولانی و تحمل زیان های فراوان است. فایده دین، آن است که انسان طبق رهنمود وحی، اشیای نافع و مضر را تشخیص می دهد، بدون اینکه ضرر و خطری متوجه او شود.

۶. حفظ نوع انسانی: چون انسان طبعاً مدنی و اجتماعی است و اجتماع انسانی به دلیل خود خواهی انسان ها در معرض تنازع آدیان قرار گرفته، دچار هرج و مرج و اختلال نظم می شود، سنت و قانونی نیاز است که همگان در مقابل آن تسلیم شوند و در پرتو اجرای آن، نظم و امنیت در جامعه برقرار گردد تا نوع انسانی از نابودی محفوظ بماند.

قانون مذکور نیز باید از طرف آفریدگار انسان و جهان باشد و آورنده آن نیز باید دارای شخصیت ممتازی باشد که جامعه بشری امتیاز او را بپذیرد. از این رو پیامبران از طرف خدا مبعوث می شوند که اولاً بشر را به احکام و قوانین الهی آگاه کنند و ثانیاً به خوبی ها ترغیب و از زشتی ها بازدارند و ثالثاً در پرتو اجرای قانون الهی، نوع انسان از زوال محفوظ بماند. بنابراین، یکی از فواید بعثت انبیاء حفظ نوع انسانی خواهد بود.

۷. تربیت و به کمال رساندن انسان ها: افراد بشر از نظر درک کمال و تحصیل معارف و اکتساب فضایل گوناگون اند. برخی از نفس قوی و قوه ادراکی نیرومندی برخوردارند و برخی بالعکس و برخی متوسط اند. انبیاء انسانها را به فراخور استعدادهای گوناگون شان تربیت می کنند و به کمال می رسانند.

۸. تعلیم اخلاق و سیاست: انسان در نظام زندگی و معیشت دنیوی، نیازمند علم اخلاق و سیاست است تا در پرتو آن، نفس خود را تهذیب و اخلاق را تکمیل و منزل و شهر را اداره نماید. انبیاء بشر را به «اخلاق فاضله» راهنمایی و به تدبیر منزل و تنظیم امور اجتماعی آگاه می کنند و چون اخلاق و سیاست در زندگی انسانی از اهمیت برخوردار است.

خداوند به پیامبرش فرمود: «خذ العفو وأمر بالعرف و اعرض عن الجاهلین»؛ گذشت پیشه کن و به کار پسندیده فرمان ده و از نادانان رخ برتاب.

«إن الله یامر بالعدل و الإحسان و ایتاء ذی القربی و ینهی عن الفحشاء و المنکر و البغی یعظکم لعلکم تذكرون»؛ در حقیقت خدا به دادگری و نیکوکاری و بخشش به خویشاوندان فرمان می دهد و از کار زشت و ناپسند باز می دارد؛ به شما اندرز می دهد باشد که پند گیرید.

۹. بیان ثواب و عقاب اعمال: انبیاء از راه وحی، به پاداش و کیفر اعمال آگاه اند و با بیان خودشان بشر را به کیفر و پاداش اعمال مطلع می سازند و این اطلاع، وسیله نزدیکی بشر به طاعت و دوری آنان از گناه و نافرمانی شده، در نتیجه لطف خداوند شامل حال بندگان می گردد.

۱۰. معرفی انسان کامل: همان طور که انسان قلبی دارد که حیات و فعالیت همه اعضا به وسیله آن تأمین می شود، جامعه بشری نیز احتیاج به قلبی دارد که بر ظاهر و باطن او حکومت کند و او «ولی الله» خواهد بود. در زمان پیامبر ولایت الهی از آن خود پیامبر و بعد از آن حضرت از آن خلیفه اوست که حجت خدا بر خلق است. این خلیفه و حجت را پیامبر به مردم معرفی می کند.

۱۱. همبستگی اجتماعی: جامعه شناسان، در بررسی جامعه شناسانه دین، یکی از کارکرد های دین یا فواید آن را همبستگی اجتماعی می دانند.

«رابر تسون اسمیت» مدعی است، دین دو کارکرد دارد: یکی تنظیم رفتار فردی برای خیر همگان و دیگری برانگیختن احساس اشتراک و وحدت اجتماعی. از این رو، مناسک دینی، بیان تکراری وحدت و کارکردهایی است که اشتراک اجتماعی را تحکیم می بخشد.

یکی دیگر از جامعه شناسان بر این باور است: مناسک دین برای کارکرد درست زندگی اخلاقی ما، به همان اندازه ضروری اند که خوراک برای نگهداشتن زندگی جسمانی ما ضرورت دارد؛ زیرا از طریق همین مناسک است که گروه خود را تأیید و حفظ می کند.



برادری بر محور دینداری و ایمان دینی، دارای دایره وسیع و ثبات آن افزون است؛ زیرا اساس آن، بر ایمان به خدایی است که همه انسان ها را از منشأ واحد آفریده و بر اساس برنامه هماهنگ برای رسیدن به هدف واحد هدایت کرده است.

۱۲. معنا بخشی به زندگی: جوهر دین را باید در این واقعیت جست و جو کرد که دین در واقع واکنشی در برابر تحدید به بی معنایی در زندگی بشری و کوششی برای نگریستن به جهان، به صورت یک واقعیت معنادار است.

این فایده از مهمترین فواید دین است؛ زیرا زمانی زندگی برای انسان معنا دارد که بداند هدف و معنای آن چیست؟ و برای چه آفریده شده است؛ در واقع، اگر معنای زندگی را در جهت تأمین جاودانگی و ابدیت انسان تبیین کنیم به یکی از عظیم ترین و اصلی ترین فواید دین دست یافته ایم.

۱۳. راهنمایی به زندگی با آرامش: دین، اطلاعاتی را در اختیار انسان می نهد تا زندگی برای او در مجموعه هستی زیبا و مطبوع شود و به تعبیری، بین آدمی و جهان و زندگی و خویشتن او آشتی برقرار گردد و همه چیز را به دید مثبت بنگرد.

دکتر «بیل» در پیامی برای جهانیان، آنان را به داشتن قدرت مثبت نگریستن فرا خوانده و گفته است: با اطمینان به نفس، شور و حرارت، نگرش مثبت و کمک پروردگار می توانی مشکلات شخصی خود را حل کنی.

قرآن کریم نیز یکی از پیام های دین را اطمینان نفس می داند: «الابدکار الله تطمئن القلوب»

۱۴. پاسخ به احساس تنهایی: انسان خدا باور و دین دار هیچ گاه احساس تنهایی نمی کند. یکی از دردهای همیشگی انسان که پیوسته از آن رنج می برد، احساس تنهایی است.

دین و ایمان دینی، نقش مهمی در زدودن انواع تنهایی ایفا می کند؛ زیرا باور دارد که خدا همواره با اوست. هر که با خدا هم نشین باشد خداوند هم با اوست.

۱۵. شکوفایی تمدن: یکی از آثار دین شکوفایی تمدن است؛ زیرا هر جا که دین حضور پیدا کرد، تمدن جلوه های بیشتری از خود ارائه کرده است.

دین انسان را از توحش حیوانی خارج می کند او را وارد وادی و حریم انسانی می سازد و با پذیرش حیات انسانی و رعایت قوانین الهی و عمل به آن که از طریق وحی آسمانی در دسترس او قرار گرفته، او کمالات عقلی و اغراض فطری را تأمین می کند.



انسانی که به مرتبه عقلانی می‌رسد، زمام گفتار و رفتار و کردار او را عقل به عهده می‌گیرد و در این حال چنین انسانی امنیت و نظم را حاکم می‌کند و به دنبال حاکمیت امنیت و نظم، عناصر و عوامل تمدن در چارچوب برنامه الهی شکل می‌گیرد.

در بین ادیان موجود، دین اسلام به لحاظ داشتن اصول و مبانی متقن و تاریخ مشخص و روشن، در آفرینش تمدن، نقش فوق العاده ای ایفا کرده است.

### **بخش سوم: نمونه هایی از پاسخ اسلام به انتظارات بشر**

#### **یکم: اسلام و وحدت**

وحدت و وفاق همگانی، از بهترین رهاورد وحی الهی است. قرآن کریم هم سفارش به وحدت و هماهنگی کرده است و هم از تشتت و پراکندگی نهی نموده است. از دیدگاه قرآن مجید اختلاف ملتی که اصول ارزشی مشترک دارند، نشانه بی عقلی آنان به حساب می‌آید.

حضرت علی (ع) که همتای قرآن کریم است، در این مورد می‌گوید: بدان که هیچ کس چون من به اتحاد، اجتماع و ائتلاف امت اسلامی حریص نیست. من در این آزمندی، پاداش نیک و فرجام کریمانه را از خداوند می‌خواهم.

آن حضرت در مورد زیان و ضرر تفرقه می‌فرماید:

از نیرنگ بازی در دین خدا برحذر باشید؛ زیرا اتحاد در مسیر حق، هر چند به آن مایل نباشید، بهتر است از اختلاف در راه باطلی که به آن علاقه مندید؛ خدای سبحان هیچ کس را در گذشته و حال و آینده، در اثر تفرقه خیر نداده و نخواهد بخشید.

#### **دوم: اسلام و امنیت**

امنیت از عناصر محوری دین است، امنیت همه جانبه ای که زمینه رشد و تعالی انسان را فراهم کند. از این رو، با تشکیل حکومت به دست پیامبر اسلام، غارت دوران جاهلی به امنیت تبدیل شد.

حضرت علی (ع) هدف مبارزه بر ضد طغیان جاهلی را استقرار امنیت مناطق مسکونی و احساس ایمنی مردم مظلوم و اجرای حدود الهی می‌داند:

"خدایا! تو می‌دانی هیچ یک از قیام و اقدام مبارزاتی ما برای علاقه به کشور گشایی و سلطه بر مردم و نیز برای جلب متاع پست و از بین رفتنی دنیا نبوده است؛ بلکه برای برگرداندن سنت‌ها و



نشانه های فراموش شده دینی از یک سو و اصلاح در زندگی مردم از سوی دیگر بود تا مظلومان احساس امنیت کنند و حدود تعطیل شده الهی اقامه شود."

### سوم: اسلام و اقتدار

قدرت و اقتدار، دو مفهوم اساسی در نظریه سیاسی است. به دست آوردن قدرت و نگهداری آن و چگونگی کاربرد آن، یکی از هسته های اصلی علم سیاست را تشکیل می دهد.

داشتن قدرت از شرایط اساسی موفقیت هر حکومتی در جلوگیری از هرج و مرج و اجرای قانون و ایجاد امنیت و جلوگیری از تجاوز دشمنان خارجی است. قدرت زمانی کاملاً اعمال می گردد که مشروعیت داشته باشد. در جامعه دینی مشروع بودن قدرت و مراحل کسب قدرت در جامعه، بر دو شرط استوار است: شایستگی حاکم و رضایت مردم.

اقتدار ملی، زمانی محقق می شود که دولت و ملت به نقش خود توجه کنند. ملت به مسئولیت ها در مقابل قانون و حکومت و هر آنچه برخاسته از هویت جمعی و ملی او باشد، تن در دهد و دولت نیز به مسئولیت های خود در برابر مردم عمل کند.

حضرت علی (ع) می فرماید: "آنگاه که مردم حق زمامدار را ادا کنند و زمامدار حق مردم را ادا کند، حق در میان آنان استوار و عزیز گردد و راهها و برنامه های دین بر پا شود و نشانه های عدالت راست شوند و برگردد رام آن، سنتها و روشهای نیک جریان یابند. به این ترتیب، روزگار سالم می گردد و در بقای حکومت، امید می رود و طمع و ورزی دشمنان به ناامیدی می گراید."

اگر ملت و دولت به وظایف متقابل خود توجه کنند، اعتماد، پیوستگی و اتحاد بین آنان برقرار می شود که ضمن حفظ وحدت و عزت، زمینه نفوذ یا تأثیر بیگانگان را در کشور از بین می برد.

از نظر اسلام، بر اساس باور به توحید و حاکمیت الهی، آفریدگار و مالک نظام هستی خداوند است و انسان بنده او. در نظام سیاسی اسلام، اقتدار و مشروعیت قدرت، مستند به اراده الهی و قانون خداوند است و کسی که در راس نظام قرار می گیرد، باید در چارچوب قوانین الهی و بر محور عدالت تعریف شده در دین، عمل کند تا اقتدار مشروع و ملی شود. اقتدار ملی به رفتار مسئولان و افراد کشور مستقیماً بستگی دارد.

رفتاری اقتدار آور است که از جزم علمی صائب و عزم عملی صالح برخوردار باشد. علم چون آینه ای است که زیبایی و زشتی را به خوبی روشن می کند و عزم چون آب است که زشتی را می

شوید و زیبایی فطری را از آلودگی به تباهی گناه، پالوده و پاک می نماید. برای رسیدن به اقتدار ملی باید از هرگونه اسراف و اتراف در بارگاه دولت و کارگاه ملت پرهیز شود.

رفتاری عامل اقتدار ملی است که گذشته از جنبه فردی، واجد حیثیت اجتماعی باشد؛ یعنی کار صحیح و زیبایی که همگان صحت و زیبایی آن را قبول داشته باشند. رفتاری زمینه اقتدار ملی را فراهم می کند که با کیمیایی دین تمام شئون فردی و اجتماعی یک ملت متدین، صبغه ملکوتی پیدا کند. موجود مادی بدون روح ملکوتی هرگز مظهر خدای مقتدر نخواهد شد تا بتواند قدرت مرکزی خود را بعد از سازماندهی به جا اعمال کند و از فاجعه افراط و تفریط پرهیزد و عفو را به جای انتقام قرار ندهد و انتقام را به جای عفو نشانند.

#### چهارم: ارزش کار و کرامت کارگر در اسلام

اسلام دین کار و تحرک است و ضد بیکاری و تنبلی. منطق قرآن، منطق کار و تحرک است و موفقیت انسان را در گرو کار و عمل می داند؛ چه موفقیت اخروی چه موفقیت دنیوی. قرآن مجید می فرماید:

"برای انسان جز حاصل تلاش او نیست و نتیجه کوشش او به زودی دیده خواهد شد."

کار در اسلام به عنوان راز آفرینش و حکمت وجود مطرح است. آدمی جوهره وجودی خویش را با سعی و تلاش می نمایاند و ارزش حقیقی خویش را با کار تعیین می کند. دین الهی، انسان را به کرامت ستود تا با کار و کوشش هم به عمران و آبادانی زمین پیر دازد و هم با کار شایسته، به حکمت وجودی خود پی ببرد و کرامت نفسانی خویش را تحصیل کند.

عزت و کرامت و استقلال هرملتی در گرو همت و تلاش آن ملت است؛ چنانکه فرو مایگی و زبونی و فسردگی هر امتی، پیامد تنبلی و بیکاری اوست. فعالیت تولیدی و کسب و کار، با چیرگی بر طبیعت و استخدام آن، وظیفه مستمر روزانه است. خدای سبحان می فرماید: "روزی را برای تحصیل معاش مقرر کردیم." حوزه کار بشر، محدود به نقطه خاصی نیست؛ بلکه از اعماق دریاها تا اوج آسمان ها و فراخنای خشکی و صحرا میدان کار و تلاش است.

از نظر دین کار منحصر به فعالیت های بدنی نیست؛ بلکه دانشمندی که با دانش و تحقیق خود در رفع مشکل علمی جامعه، می کوشد یا طبیعی که بیماران را مداوا می نماید، انجینری که طرح فنی می ریزد، دانش پژوهی که در راه تحصیل دانش رنج می برد، هر کدام کوشش های علمی و



پژوهش های تحقیقی، مصداق بارزی از مصادیق کارند. با این تفاوت که ارزشها یکسان نیست. عزت و سربلندی هر کس از ثمرات ایمان او به خداست. مؤمن عزیز است و همواره باید در حفظ و اعتلای عزت خود بکوشد و کار، یکی از راه های کسب عزت و رسیدن به استقلال مادی است. یکی از یاران امام صادق (ع) می گوید: روز بسیار گرمی آن حضرت را در یکی از راه های مدینه دیدم و به او گفتم: شما با مقامی که نزد خداوند و انتسابی که به پیامبر دارید، چرا در روز گرمی خود را به زحمت انداخته اید؟

حضرت فرمود: من در طلب روزی بیرون آمده ام تا از دیگران بی نیاز باشم. اسلام با خواری که پیامد تلخ بیکاری است به شدت برخورد کرده است. در روایات می خوانیم: آفت پیروزی، سستی و کسالت است. کسی آب و خاک به اندازه کافی داشته باشد و نیازمند دیگران شود، خدا او را از رحمت خود دور می کند.

در هر جامعه ای تغذیه سالم، ذوق هنری و تأمین صحیح نشاط روحی و نیازهای عاطفی، وابسته به ارائه کارهای هنری هنرمندان است. استقلال و رشد اقتصادی هر جامعه نیز در گرو نحوه رویکرد آن جامعه به پدیده کار است. اسلام برای سامان بخشی و رشد اقتصادی و تعالی جامعه اصول و ضوابطی را برای کار مورد توجه قرار داده است که نیازهای روحی و بدنی جامعه، در پرتو رعایت آن تأمین می شود.

۱. تخصص و تعهد: بی تردید دو اصل تخصص و تعهد در رشد کمی و کیفی کار مؤثر است؛ زیرا انسان متعهد و متخصص در حوزه مسئولیت شغلی خود از انضباط و وجدان کاری مناسب برخوردار است. خداوند متعال از کسی که بدون دو بال تعهد و تخصص خود را برای تصدی شغلی پیشنهاد می دهد بیزار است.

جامعه ای که کار را به کاردان نمی سپارد، همواره سیر نزولی خود را طی می کند. پیامبر اسلام فرمود: امتی که غیر متخصص را به کار خویش گمارد و در میان آنان داناتر از وی باشد، پیوسته کارشان رو به تنزل و سقوط است تا زمانی که از آن دست بکشد.

تعهد در کار، موجب می شود که شخص در انتخاب شغل، نیازهای جامعه را در نظر بگیرد و از شغل های کاذبی که خساراتی را به پیکر اقتصادی جامعه وارد می کند، پرهیزد.

۲. اتقان در کار: انجام هر کاری بدون در نظر گرفتن ضوابط، جوانب و پیامدهای آن نافرجام است. اگر هدف از کار، رفع نیازهای عموم و تحکیم مبانی اقتصادی جامعه است، انسان ملزم است به اقتضای وجدان، هر کاری را که متصدی آن است در نهایت دقت و محکم کاری به اتمام برساند. پیامبر اکرم (ص) پس از آنکه بنایی را با نهایت دقت و محکم کاری تمام کرد فرمود: می دانم که پس از مدتی فرو می ریزد؛ لکن خدا بنده ای را دوست دارد که وقتی کاری را انجام داد، آن را محکم انجام دهد.

در اسلام از کم کاری، خیانت در کار، نیرنگ و پنهان کردن حقیقت، به شدت نهی شده است. ۳. پایداری در کار: خداوند در قرآن کریم پیامبر و مسلمانان را به استقامت و پایداری فرا می خواند، استقامت در کار، موجب می شود که کارگر سختیهای موقت و محرومیت های مقطعی را نادیده بگیرد و برای رسیدن به هدف بلند کوششی همه جانبه داشته باشد. از قرآن کریم استفاده می شود که استقامت موجب تقویت و آرامش دل و وسعت رزق است.

هیچگاه نباید راه علاج را بسته دید و چاره را منتفی تلقی کرد؛ زیرا جست و جوی مداوم و کوشش پی گیر سرانجام نتیجه بخش خواهد بود. علی (ع) می فرماید: هر کس چیزی را بخواهد به همه آن یا دست کم به بخشی از آن خواهد رسید.

۴. اخلاص در کار: گرچه لازمه کار، تقویت بنیه اقتصادی و قطع دست بیگانگان و رسیدن به استقلال است، لیکن در دستورهای دینی توصیه شده است که انسان به منظور اطاعت از دستور خدا کار کند.

اخلاص صبغه عبادی کار را تقویت می کند و به آن رنگ تقدس می بخشد و به منزله زینت کار و زیور عمل است. در سخنان علی (ع) آمده است: سعی کنید کاری را که انجام می دهید با اخلاص و بی پیرایه باشد.

۵. انتخاب شغل مناسب: حرفه هر فردی اثر مستقیم در اخلاق و رفتار وی دارد؛ کسی که بر اثر طمع و زراندوزی، در انتخاب کار و شغل مناسب خود دقت کافی نمی کند، بیش از هر کس به خود ضرر می زند و شخصیت انسانی خود را درهم می شکنند. با داشتن شغل نامشروع، نمی توان روحیه ای نجیب و برجسته داشت و معضلی را حل کرد.



شغل خوب و آبرومند، هم گره از کار جامعه می‌گشاید و نیز در تعالی روحی و اخلاقی انسان تأثیر می‌گذارد. چنان‌که امام صادق (ع) می‌فرماید: خدای عزیز و جلیل، کارهای شکوهمند و عالی را دوست دارد و از کارهای پست ناراضی است. همین مضمون را امام حسین (ع) از رسول خدا (ص) نقل کرده است.

اسلام برخی از شغلها را واجب، بعضی‌ها را حرام، بخشی را مستحب و پاره‌ای از شغلها را مکروه می‌داند و یکی از حقوق فرزندان بر پدر را انتخاب شغل مناسب می‌شمارد.

۶. خلاقیت در کار: خدای متعال، همه مواد خام و لازم هرگونه ابتکار را در سفره سنت الهی قرار داده است و زمینه هرگونه صنعت بدیع و هر نوع نوآوری را در نهان بشر نهاده است تا اصل کار از سادگی صدف به پیچیدگی گوهر بار یابد و از تکرار پرهیز شود و به سمت خلاقیت جهت‌گیری کند.

اصل حاکم بر کار تبدیل نمودن مواد خام به ابزارهای صنعتی است که یکی را خداوند با دست طبیعت در خارج از ذهن فراهم نموده و دیگری را همان خداوند با دست صنعت در قلمرو اندیشه بشر شکوفا کرده است.

حضرت امام صادق (ع) از کشاورزی به عنوان کمیای بزرگ یاد نموده است؛ زیرا در پرتو آن به مواد جامد طبیعی، حیات گیاهی بخشوده می‌شود و هنر این فن ویژه، فراهم نمودن شرایط جهش از مرحله جماد و مردگی به منطقه نبات و زندگی است. پس اصل کار باید به منزله دمیدن روح هنر در ماده به ظاهر بی روح طبیعت باشد تا صنایع آدمیان، تبلوری از حیات هنر و تجلی زنده بودن و زنده شدن باشد.

۷. کار هدفمند: کاری به صورت هنر مدرن متبلور می‌شود که از سهل‌انگاری، سست رفتاری و بی‌رمقی و بی‌روتق بودن رهایی یابد و به سنت نوآوری و هدفمند بودن برسد. دوام زندگی و تداوم حیات مسئولانه کارگر مرهون کار بدیع و قانونمند اوست و هر انسانی می‌کوشد از گمنامی برهد و به نامداری برسد.

#### پنجم: اسلام و صلح جهانی

اسلام از آن جهت که همگانی و همیشگی است، خود را مروج بزرگ صلح جهانی می‌داند. اسلام از آن جهت که حیات و صلح در گوهر او نهاده شده است، توان رهبری صلح جهانی را داراست.



اسلام، صلح جهانی را خواستار است تا دولت‌ها باهم، ملت‌ها باهم، دولت‌ها باملت‌های خود صلح جویانه بسر برند و حقوق بشر، به ویژه حقوق کودکان، زنان و کهنسالان از دست درازی زور مداران مصون بماند.

اسلام، دین را به عنوان قانون زندگی فردی-اجتماعی در تمام شؤون فرهنگی، اقتصادی، نظامی و... می‌داند که آن را به منظور قیام مردم به قسط و عدل که از ارکان اصیل صلح جهانی است معرفی می‌کند و پیام آوران الهی در این راه صعب العبور از هیچ کوششی دریغ نکردند و برای شکوفایی صلح جهانی عادلانه از هر گونه تلاش و جهاد استقبال نمودند.

اسلام در عین تکریم عقل و تجربه از جهت معرفت‌شناسی و تحلیل‌ره آورد برهان عقلی و تجربه حسی و فتوا به لزوم آنها در تأمین صلح عادلانه و حیات متمدنانه، آنها را برای تأمین تمام نیازهای علمی و عملی بشر کافی نمی‌داند و ضرورت ارسال انبیاء و انزال وحی را گوشزد نموده است. آنچه به عنوان «بیت الغزل» تاریخ پر افتخار انبیاء، بعد از توحید و پرستش خدای یگانه و یکتا مشهود است، ظلم ستیزی برای برقراری صلح عادلانه جهانی است و هر گونه توسعه جهانی، خواه تجارت یا سیاست یا امور دیگر در پرتو صلح عادلانه جهانی است.

#### ششم: اسلام و محیط زیست

یکی از مسائلی که در متون دینی اسلام به آن توجه ویژه شده است، مسئله محیط زیست است. تبیین محیط زیست، ضرورت اهتمام به تأمین سلامت آن، اصول مبادی زیست محیطی، راه‌های رسیدن به محیط سالم و سرانجام، اهداف اصیل آن از آن جهت که از حقوق اساسی بشر است، جزء وظائف بشری است.

قرآن کریم که مقدس‌ترین متن دینی است، صحنه آفرینش را پرده‌پرنیانی جمال و شکوه خداوند می‌داند و آرایش نظام هستی را پایه آرامش بشر معرفی می‌کند و سراسر گیتی و جهان را به زیبایی می‌ستاید.

هرچه را خدا آفرید زیباست که از آن زیباتر وجود نداشته است و گر نه حتماً علم خداوند به آن تعلق می‌گرفت و از قدرت فراگیر الهی خارج نبود و از گستره سفره جود و بخشش خدا جدا نمی‌شد. کرامت انسان در پرتو خلافت اوست و خلیفه کسی است که در تمام شؤون علمی و عملی خود، تابع مستخلف عنه باشد.



مهم ترین عنصر خلافت الهی بعد از فراگیری معارف دینی، آباد ساختن زمین و نجات آن از هرگونه تباهی و تیرگی است. مقصود از زمین گستره زیست بشر است که از عمق دریا تا اوج سپهر و قله آسمان را در بر می گیرد.

بنا براین، فرهنگ زیست محیطی با مقام برین جانشینی خدا آمیخته است. آن کسی که به جای پالایش هوا آن را می آلود و عوض مرمت زمین آن را ویران می کند و به جای غرس نهال به قطع درخت می پردازد و به جای سالم سازی دریا و صحرا از آلوده نمودن آن ها ایبایی ندارد، نمی تواند خود را خلیفه خداوند بداند.

آلوده بودن محیط زیست، هم نیروی انسانی و هم امکانات طبیعی را در معرض نابودی و تباهی قرار می دهد. اسلام در تمامی شئون حیات به دو عنصر محوری اهمیت می دهد و همگان، به ویژه دولت مردان را مسئول تأمین آن دو رکن اساسی می داند یکی استحکام عمل و دیگری هنرمندی و زیبایی آن.

پیامبر بزرگ اسلام فرمود: خداوند پاک است و پاکی را دوست دارد، پاکیزه است و پاکیزگی را دوست دارد؛ پس آستان زندگی خود را پاکیزه نمایید.

رعایت اصول زیست محیطی حقوق و وظایف متقابل تمام شهروندان نسبت به یکدیگر و نیز دولت و ملت در برابر هم است.

پیامبر اسلام فرمود: اگر نشایی در دست یکی از شماست و قیامت در آستانه قیام است و مرگ شما قطعی است، اگر کمترین مهلت برای غرس نهال و کاشتن آن در اختیار شماست، از آن فرصت کوتاه استفاده کنید و آن را بکارید.

در حدیثی دیگر آمده است: درخت کاری در کنار تعلیم دانش، ساختن مسجد، به ارث گذاشتن قرآن و کتابهای علمی دیگر و... واقع شده که این همراهی کاشف از درجه بالای اهتمام اسلام به درخت کاری و محیط زیست است.

زندگی بدون به دست آوردن سه عامل حیاتی گوارا نیست. هوای پاک و تمیز، آب فراوان و گوارا و زمین حاصل خیز و قابل کشت. خداوند تمام عناصر محوری مورد نیاز زندگی بشر را تأمین فرمود و بهره برداری از آن را جزء حقوق بشر قرار داد و جامعه را به صیانت آنها از آفت، انقراض،



کمبودی و مانند آن مکلف کرده است. اگر فرد یا جامعه، دولت یا ملت در شناخت این عناصر کوتاهی کند و یا در تحصیل و نگهداری آن قصور ورزد وظیفه دینی خود را انجام نداده است. لازم است درباره هوا، کیفیت بهره برداری از این امانت الهی و چیزهایی که آن را آلوده می کند و چیزهایی که در پالایش و درمان آن مؤثر است و نحوه تصفیه آن ابتکار فنی رعایت گردد. هم چنین لازم است درباره آب گوارا و کیفیت بهره برداری از آن و اشیایی که آن را آلوده می کند و اموری که در نظافت آن مؤثر است و نحوه تصفیه آن ابتکار فنی رعایت گردد. نیز لازم است درباره زمین، کیفیت استفاده از آن سفره گسترده الهی و اموری که آن را بیمار می کند و چیزهایی که در احیا و کویر زدایی تأثیر دارد، ماهرانه ارزیابی و اقدام شود.

#### هفتم: دین و توسعه

دین در زمینه توسعه و ابعاد و انواع آن، از قبیل توسعه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نظر دارد و آن رابه فرزندان جامعه واگذار نکرده است؛ زیرا دینی که داعیه جهانشمولی دارد و همه افراد بشر را عائله مکتب خود می داند، درباره توسعه نیز باید نظری جامع داشته باشد. در فقه اسلامی، هرآنچه که نیاز جامعه انسانی و بشری است و فراهم کردن آن سودمند است، گاهی واجب عینی است و گاهی واجب کفایی. هرآنچه در سعادت انسان سهم مؤثری دارد و جامعه انسانی بدون آن به زندگی کامل سعادت‌مندانه راه نمی یابد، تأمین و تحصیل آن واجب است. اسلام به عنوان دین همه جانبه، در رابطه با توسعه اقتصادی حقایق را بیان کرده که نه تنها دولت باید در جهت رساندن جامعه به توسعه اقتصادی برنامه ریزی همه جانبه و کامل داشته باشد، بلکه افراد نیز وظیفه دارند که اندیشه توسعه را در سر داشته باشند و از طریق کار و کوشش در این راستا گام بردارند.

اسلام به توسعه فرهنگی اهمیت ویژه قابل است و به فراگیری علوم سودمند دستور می دهد. حتی اگر لازم باشد باید برای فراگیری آن به دورترین نقاط عالم سفر کرد. مسلمانان افزون بر لزوم آشنایی به زبان و فرهنگ و آداب و رسوم مردم دنیا، باید برای توسعه فرهنگی با ملت‌های دیگر تبادل فرهنگی و علمی داشته باشند. البته نباید سنت‌های صحیح خود را به این بهانه از دست بدهند و تابع سنت‌های دیگران شوند. اگر سنتی از عقل و میثاق الهی و فطرت دینی برخاست باید آن را شکوفا کرد و اگر چیزی در برابر عقل و فطرت بود باید آن را زدود.



اسلام به توسعه سیاسی و اجتماعی اهمیت می دهد و به مسلمانان سفارش می کند با کسانی که با دین در حالت ستیز نیستند زندگی مسالمت آمیز داشته باشند.

از دیدگاه قرآن همه مسائل و از جمله توسعه باید بر محور علم و عقل استوار گردد و این دو بر همه شؤون زندگی پرتو افکن بوده و اشراف داشته باشد.

قرآن عظمت اقتصاد و تأثیر مال را در جامعه مشخص کرده و مال را خیر و به منزله ستون فقرات جامعه معرفی کرده است، مال مایه قوام جامعه است و جامعه تهی دست قوام ندارد. مثل مال در جامعه، مثل خون در شریانها و رگ هاست. همان گونه که جاری نشدن خون در بعضی از رگها موجب فلج شدن آن عضو می گردد، مال نیز باید در همه شریانهای جامعه جریان داشته باشد.

ملتی که بخواهد جامع دنیا و آخرت باشد، راهی جز کلان نگری، توسعه و تأمین تمام هزینه های استقلال و آزادی ندارد، در غیر این صورت همواره بار دوش دیگران خواهد بود.

مصلحت یک جامعه اقتضا می کند که زندگی صالح داشته باشد که مراد از آن این است هر چه در بهتر زیستن و خوبتر زندگی کردن مؤثر است آن را کسب کند و در جست و جوی رزق حلال و کسب هزینه های لازم باشد.